

سرکار زدی خانم ژاله

درد . مرا می بخشید که نامه شما چنین در پاسخ می دهم . اینجاست که از تبلیغ با بارگ
منه مایه نگرشرد و آنچه که با فرستگ منم که پاسخ خانم بزرگوار چون شما به امروز و فردا کردن
داکت دارم . در چند ماه گذشته گرفتار بیمار خانه آورده (و بهتر گفته شود گریه آورده) داشته ام
که سر رشته کارم را هم کرده ام و دل در دماغ بیمار را هم سر رشته است بوخیره دست بردن بخانه
و نوشتن نامه که کار است بر از ریزه کار و این زنند اما در آن دوزخ و روانا . گذشته از
اینها می نماند بودم که گاه گاه گذشته بخیم را از دست سر دورنگ پیروم که از آن نزد بودر بمانند
دنا نه آن در شمار آنها بود و اینک دوسه روز است که دست بکار پاسخ دادن به نامه های
سنتام که از چند ماه پیش بدستم رسیده است .

نامه سرکار که سرش را از یاد فرزند خوب بسین ما لا اله الا هو بدستم رسیده است گفتم
و این دار که بر آنم از گذشته نغمه آن بی جزو سر بهره گیر کنم و اینک سر در آن هنگام
شکل در اینها با سینه تا در کار که به دست دارم بیشتر با رسم بیتا به سزا آنچه می خوانم کار
نزد بودر و دوستان با بنام رسانم .

کار این بیشتر آن می نویسم که عهدت در این لایحه را در بیشتر دیده ام و اینک
نامه کرده و بار چوب دوم آمده گردانیده ام و این ناشران زیر بار چوب آن
متر روند و حق با آنهاست . اینجاست که این زنند هنگام دکتراست که بدوام
فرا رسد . جلد دوم کتاب نیز زیر چوب است و نزدیک به سصد صفحه است
عروضینز شده و ناشر از دنبال کار خود در این می کند که در بیشتر که آمده است
در بنام اینجاست که اینست که پس جبر کارم کند است و دکترا اینجاست که در
کار است که چنانکه در شماره است با انجام رسد ؟

در روز جناب آفرینش با سخن گفتن زنده دگفتند من نوشته‌ای لازم را بر من نوشته‌اند
 و آنرا بابت از آلمان فرستاده اند و می‌رسدند و آن نوشته بدست من رسیده است
 و این و این را هم که چون نوشته‌ای در دست گرفته‌ام و بنامه و از پنهان آنرا به دست
 نرساند هرگز به دست بر آلمان، فکر کن آنرا که نزد عورتان دارند با دیگر خواننده
 فرستاد. در این باره از سرکار و آفرینش بگردانم و چون منرا هم آن نوشته
 سرانجام به دست خوانم رسیده باشد اینست که به پیش اندازه از نوشتن در باره اسیر می‌توانم
 آنرا فرستاده شده دادند که شاید بکار یک شردیش و بررسی ادب خواننده اسیر
 از شنیدن این سخن بر رشادمان شمع و اسیر و امیر زودتر چشم به دیدن و
 شده اثر آن روشن گردد.

با گلان از راه روبرو با آفرینش که در آنجا دارم که کن اولی است چون گمانه که سنت
 دیگر اگر چه نوشته یاد در خانه عورتان فاک می‌فورد یاد در روز میزنا سر آن
 و یاد در گارته و در مخزن چینی نه و با این معنی دگر می‌جویشی را بر کار
 نماند منرا اند اینست که منم که شتر رفت جلد آن بزرگ بود دام از کار
 دیگر دست باز داشته‌ام تا به این چه اسیر خوانم آنرا از راه شنیدن با خواننده
 باشد این را می‌بویم که شاید تا یکماه دیگر کارخانه که در باره این دوزان خارج
 روسیه ترار در مورد رودار که از آنجا بیاید رسانم بیرون بیاید و
 اسیر و امیر برانم یک نسخه از آنرا بر سر کار بفرستم.

دیگر سرکار را به در منرا آورم و با دیگر از هر روز تا او دانستی کار از شنیدی
 و برانم نوشته‌ای به دست دارم. اگر به منرا از آنجا نیازمند باشی فرستاد
 می‌کنم برانم بنویسد سرافراز خواننده که در سر کار تمام دای.

در این باره
 در این باره